

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وپر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

داکتر سید خلیل الله هاشمیان

۱۷ می ۲۰۱۵

با عرض احترام به خدمت دانشمند دوست محمد خان بدخشی

برادر محترم! معذرت می‌خواهم که پیرامون استیضاح شما در کلکین نظریایی، مقاله تقدیم می‌کنم. با داشتن تکلیف چشم و ضعف حافظه، دیشب شرح مفصل و واجد رویدادهای تاریخی برای وطندار محترم شاعلی قاسم (باز) نوشتم، آن را تمام کردم و تاریخ زدم و می‌خواستم از سر بخوانم، که موازنه برهم خورد، در کلکین گدودی رخ داد و همه نوشته از بین رفت، لهذا توضیحات مطلوب شما را درین پیام به شکل یک مقاله تقدیم می‌کنم.

اولتر از همه می‌خواهم مسرت و شکران خود را از موجودیت شخصیت دانشمندی مانند جناب شما که نه تنها در زبانهای دری، پشتو و عربی مسلط می‌باشید و به زبان انگلیسی هم بلدیت دارید، در ولایت مردخیز و دانش پرور بدخشان، جایی که حکیم ناصر خسرو قبادیانی بلخی و نام آوران دیگری مانند او درین خاک پرفیض خفته اند، ابراز نمایم – جناب شما همیشه پیرامون مسایل ملی و ادبی افغانستان با توشه علمی از طریق این پورتال سهم گرفته اید، عمر تان طولانی باد! و اما پیرامون استیضاح شما، در حالی که معلومات من در چنین مسایل شاید با آن شما برابری نتواند، اما "خدا و هست" گفته آنچه در دماغم ذخیره باشد تقدیم می‌کنم.

جناب شما از دانشمند تنویر خواسته اید: "نام سه کتاب به زبان دری و نام سه کتاب به زبان فارسی بگیرند، تا فرق بین این دو زبان را عملاً بدانیم." اگرچه به این سؤال جناب دانشمند تنویر خودشان نیز خواهند پرداخت، به نوبه خود عرض می‌کنم: جناب شما بهتر میدانید که دستور و اصول ساختمانی زبانی، که آن را به سه لهجه (دری، فارسی، تاجکی) می‌شناسیم، یکسان و مشترک است. تفاوت‌های لهجه ئی و یک عده کلمات و اصطلاحات متفاوت ناشی از شرایط جغرافیائی و محیط زیست که درین سه لهجه وجود دارد، تنها در زبان گفتار مشاهده شده می‌تواند، نه در زبان نوشتار - کتابهای چاپ ایران به زبان فارسی را هر افغان باسواد خوانده و فهمیده می‌تواند - و هر

ایرانی کتابهای چاپ افغانستان به زبان دری را خوانده و فهمیده میتواند - همین طور است کتابهای چاپ تاجکستان، اگر کلمات و اصطلاحات میراث استعمار روسی را برون ساخته باشند. کتاب یادداشت ها به قلم استاد صدرالدین عینی را من ندیده ام، پوهاند صدری یک استاد لایق پوهنخی ادبیات بودند، کتاب خود را حتما به زبان دری نوشته اند، اما زادگاه استاد صدری بدخشان است، لهذا کلمات اصیل زبان دری با اصطلاحاتی از لهجه بدخشی باید درین اثر وجود داشته باشد، که یک غنیمت فرهنگ زبان دری پنداشته میشود. بنابراین آن با در نظرداشت تفاوتهای لهجوی در فرهنگ زبان دری، هر افغان کتاب استاد عینی را منحیث یک اثر زبان بدخشی نی، بلکه منجیث یک اثر زبان دری میخواند و مشکلی در خواندن و فهمیدن آن نمیداشته باشد.

این که در متون کهن "فارسی دری" نوشته شده، نظر شما درست است که "تعصبات زبانی میان عرب و عجم حاد بود"، عربها به خاطری بیشتر به خراسان اهمیت قایل بودند، که چند برابر فارس از خراسان مالیات بدست می آوردند، زبان و مدنیت عربی خوبتر در خراسان انکشاف کرده بود، اما بعد از ۳۰۰ سال استیلای عرب زبان دری در خراسان دوباره زنده شده و به جانب فارس نیز انکشاف یافته بود - در خلال تحولات سیاسی - اجتماعی چند قرن بعد رقابت زبانی بین فارسی زبانهای کشور فارس و دری زبانهای خراسان نیر تثق کرده بود. محمد بن یعقوب متوفای ۳۲۹ قمری که از لسان "فارسی/دری" نام برده، درین زمان عربها تفاوت بین زبان کشور فارس (فارسی) و کشور خراسان (دری) را پی برده و مستشعر گردیده بودند - اما در زمان حیات پیغمبر اسلام (ص) کسی در جهان عرب زبان دری را نشنیده و نمیشناخت، لیکن از موجودیت کشور فارس در جوار مدنیت عرب خبر داشتند و یک تن از اصحاب پیغمبر موسوم به (سلمان فارسی) نیز در مدینه وجود داشت، لهذا حدیثی یا روایتی از مدینه در زمان حیات پیغمبر (ص) و حتی بعد از آن تا رسیدن اعراب به خراسان، مبنی بر این که عربها از نام و موجودیت زبان دری خبر داشته باشند، قابل قبول نمیباشد و جناب شما هم آن حدیث را "موضوعی" خوانده اید.

شما بهتر میدانید، که نام کشور فارس قدامت تاریخی دارد و مردم فارس نام زبان دری را که از منطقه خراسان به کشور فارس رفته و بالای زبانهای بومی کشور فارس غالب شده و در آن کشور رایج شده بود "فارسی" گذاشتند - اگرچه حافظ، سعدی، خیام و مولانا نام زبان دری را با حرمت و به حیث زبان بهتر و محبوبتر از فارسی در آثار شان ذکر کرده اند، لیکن به علت انشقاق و انشعاب سیاسی در منطقه خراسان و ظهور پادشاه نشینان محلی و کوچک، نام زبان دری برای مدت مدیدی تنها در کتابها باقی ماند و فارسی جانشین دری گردید، چنانچه بعد از تأسیس کشور افغانستان، حتی تا ۶۰ سال قبل در سرتاسر کشور افغانستان همه مردم، به شمول پشتو زبانها، نام زبان کشور خود را (فارسی/پارسی) میخواندند - تشخیص بین خصوصیات لهجه های فارسی و دری حدود ۶۰ سال قبل در پوهنتون کابل آغاز گردید، و با وجود مخالفت و مقاومت شدید ایران که تا امروز دوام دارد، استادان پوهنخی ادبیات فارغان بعد از ۱۹۵۵ میلادی این پوهنخی و شاگردان صنوف ۱۱ و ۱۲ لایسه های کابل را ضمن ایراد کنفرانسها از موجودیت زبان دری در افغانستان و تفاوتهای آن با لهجه فارسی ایران باخبر ساختند و اکثر فارغان دپارتمان (زبان و ادبیات دری) به حیث معلم (زبان دری) در لایسه ها مقرر شدند و نام این مضمون که در سابق (قرائت فارسی) یا (ادبیات فارسی) بود به (ادبیات دری) تبدیل گردید. افغانستان فقیر قدرت بیشتر ازین نداشت، ولی کتابهای ایرانی که سیل آسا به افغانستان ریختند، توأم با مصرف پول وافر و نفوذ مذهبی کار را به جایی رسانده که تلویزیونهای (طلوع)، (یک) و (آریانا) علنا در خدمت ایران قرار گرفته اند.

دانشمند افغان جناب آقای داکتر محمدحلم تئویر در مقاله ای که هنوز قسمت اول آن نشر شده، پیرامون تفاوت بین زبان دری و پهلوی از زبان عبدالله ابن مقفع مینویسند که :

"پهلوی منسوب است به پهل که نام پنج شهر است: اصفهان، ری، همدان، ماه نهاوند و آذربایجان. و اما دری زبان شهرنشینان بود و درباریان با آن سخن میگفتند و منسوب به دربار پادشاهی است و از میان زبانهای اهل خراسان و مشرق، زبان مردم بلخ در آن بیشتر بود. اما پارسی زبان موبدان (روحانیون زردشتی گزیده بود که در پارس مردم به آن دین معتقد بودند) و امثال آنان بود و مردم فارس به آن سخن میگفتند." (ت، ص: ۳۹).

دانشمند دیگر افغان، جناب آقای انجنیر خلیل الله معروفی در مقاله ای به عنوان "تهاجم فرهنگی ایران"، پیرامون تفاوت‌های زبان دری افغانستان و فارسی ایران میگویند:

"باید گفت که زبان دری و فارسی یک زبان است و اصل هم "زبان دری" میباشد، که حدوداً دوهزار سال پیش در شمال افغانستان رونق گرفت. این زبان در افغانستان رسماً و قانوناً به لسان "دری" و در ایران رسماً و قانوناً به نام زبان "فارسی" یاد میگردد. معلوم و کاملاً طبیعی ست، که عین زبان در دو محیط از هر نگاه مختلف در طول سالیان و قرون متمادی، نشو و نمای کاملاً متفاوت داشته، تا اینکه در هیئت متمایز و متفارق امروزی در آمده است.... به برداشت من ... تفاوتها بین دری افغانستان و فارسی ایران در هر سه دستگاه (دستگاه گرامری شامل صرف و نحو، جهاز صوتی، جهاز لغوی) زبان دیده میشود، البته بارزترین و بزرگترین تفاوت در دستگاه لغوی یا "مجموعه لغات و کلمات" است...." (بخش اول).

"دری افغانستان و فارسی ایران که در اصل خود یک زبان "دری" بوده اند، به مرور قرون و دهور در محیطهای کاملاً متفاوت از هم، چنان رشد کرده اند، که امروز در هر سه دستگاه زبان متفارق و متباین میباشند ... البته باید گفت که ستون فقرات و چوگات اصلی دستوری و گرامری هردو ثابت و استوار مانده و یکسانند.... درین قسمت مشخصاً از تفاوت‌های موجود بین دری افغانستان و فارسی ایران بحث مینمائیم:

در دستگاه دستوری به تحولاتی اشاره میگردد، که به مرور زمان در قواعد "صرفی" و یا "نحوی" زبان فارسی ایران - و یا در هر دو- رونما گردیده.... تعدادی ازین تحولات محض دامنگیر فارسی ادبی و مکتوب ایران میباشند و یا صرف در زبان گفتار مشاهده میگردد، ولی تعدادی ازینها هم دامن فارسی شفاهی و روزمره را گرفته است ازین قبیل: آوردن "ش" اضافی در آخر صیغه مفرد غایب زمان ماضی مطلق، مثلاً "هستش" یعنی "هست" ؛ "رفتش" یعنی "رفت" ؛ "خوردش" یعنی "خورد". این کار ناهنجار در زبان گفتار ایرانیان عام گردیده و تخطی صریح از نحو زبان (دری/فارسی) محسوب میشود.

تصرفات در املائی بعضی کلمات مرکب که قواعد "صرف زبان" را زیر پای میکند، مثلاً: حذف "واو عطف" در بعضی کلمات مرکب از قبیل "جست و جو - شست و شو - گفت و گو" که در فارسی ایران در هیئت "جستجو، شستشو، گفتگو..." به حیث یک تحول صرفی پذیرفته شده است، تحولی که فونتیکی زبان را نیز متأثر ساخته است.

حذف حرف /ی/ بعد از /و/ کشیده و /الف/ کشیده از بعضی کلمات، مثلاً: " /پا/، /سرا/، /جا/، / رو/، /مو/، /سو/، /جو/، /خو/، /کو/، "جست و جو"، "شست و شو"، "گفت و گو" که با حذف /ی/ از کلمات " پای، سرای، جای، روی، موی، جوی، خوی، کوی، جست و جوی، گفت و گوی،

"... به وجود آمده اند.... در زبان دری افغانستان این کلمات به شکل اصل آن به سلامت کامل نگه داشته شده اند.

حذف "های غیر ملفوظ" از میانه بعضی کلمات مرکب، مثلاً: "سایه بان - اندیشه مند، بهره مند، سرمایه دار، دسته جمعی، علاقه مند..." در فارسی ایران به شکل (سایبان، اندیشمند، بهره مند، سرمایدار، دستجمعی، علاقمند...) رائج شده است. گویا تحول صرفی بر فونتیک این کلمات اثر نهاده است....

استعمال حال و ماضی استمراری به شیوه ای که بر اثر ترجمه "باللفظ" از فرانسوی وارد فارسی ایران شده است، مثلاً: "دارم میخورم - داشت خانه میرفت - دارد می آید" چنین طرز استعمال که وارد "نحو" فارسی ایران گردیده است، با قانونمندی زبان دری قطعاً نمیسازد....

جمعبندی بعضی کلمات ترکیبی (ترکیب اضافی) که حذف "کسره اضافه" از آنها نحوه "جمعبندی" خاص را به فارسی ایران میدهد، مثلاً: گل گلاب - "گل گلابها"، قتل عام - "قتل عامها"، نقطه نظر - "نقطه نظرها"، راه حل - "راه حلها"، صورت دعوا - "صورت دعواها"، سطح دانش - "سطح دانشها" که در صل خود و در زبان دری افغانستان در هیئت "گلهای گلاب، قتلهای عام، نقاط نظر، راههای حل، صورتهای دعوا، سطوح دانش (سطهای دانش) جمع بسته میشوند - این نکته یک تحول صرفی را در دستور زبان فارسی ایران نشان میدهد.... در زبان دری افغانستان "کسره اضافه" را در هیچکدام از این ترکیبات ساقط نمیسازند....

استعمال غلط کلمه "را" به حیث علامت (مفعول بی واسطه) در جملات مرکب که تخطی صریح از نحو زبان دری/فارسی میباشد، مثلاً:

(کتابی را که به نصف قیمت خریده بودم، تاحال نخوانده ام.) : (دری)

(کتابی که به نصف قیمت خریده بودم را، تاحال نخوانده ام.) : (فارسی)

مثالی را که ذیلاً در زمینه از منابع خود ایران می آرم، در صفحه ۳۹ کتاب "فارسی عمومی برای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی" درج میباشد :

"وزیرآموزش و پرورش دانش آموزانی که در المپیای فزیک موفق شده بودند را با اهدای جوایزی مورد تشویق قرار داد." درین جمله کلمه "را" علامت مفعول صریح است و باید بلافاصله پس از مفعول، یعنی کلمه "دانش آموزانی" بیاید - یعنی : وزیر آموزش و پرورش دانش آموزانی را که

در دستگاه تلفظی : رعایت نکردن دو/ی/ و دو / و/ و ساقط ساختن /ی/ مجهول و / و/ مجهول در تلفظ اکثریت مطلق کلمات فارسی ایران -

/ه/ غیر ملفوظ را به حیث معرف "کسره حرف ماقبل" اش دانستن، در حالی که در زبان دری این حرکت "فتحه" است، مثلاً (خانه، نماینده، نوشته، لاله، ماله، جامه، کاوه، کرده، نویسنده، گذشته...) تبدیل کردن /الف/ میان بعضی کلمات به /و/ که دامنگیر صغیر و کبیر ایرانیان است، مثلاً: "تون، جون، مون، دوکون، خونه، همون، تونستن؛ آسون...." (مثالهای دیگر دستگاه تلفظی (فونتیک) در مقاله دانشمند معروفی دیده شود).

در دستگاه لغوی: نکاتی چند ازینقرار است: ایرانیها کلمات "مرده"، "متروک"، "منسوخ" و "تاریخی" را از پشت کندوهای تاریخ کشیده و میخوانند و عناصر زنده و موجود زبان بسازند، ازین قبیل:

تعویض لغات عالمگیر و مقبول عام از السنه خارجی (که در بین قوسین گرفته شده) با کلمات باصطلاح ایرانی "من درآوردی"، بی سر و پا، بی مورد و قبیح، مثلاً:
"جشنواره (فستیوال) - فناوری (تکنالوژی) - نرم افزار (سافت ویر) -- سخت افزار (هاردویر) - تارنما (ویبسایت) - رایانه (کامپیوتر) - باشگاه (کلوب) - رزمایش (مانور) - چالش (مشکل، چلنج) - خودرو (اوتوموبیل، موتر) - خودکار (اتومات) - پرونده (دوسیه)...."

تعویض کلمات معمول، مأنوس، مشهور و کاملاً آشنای عربی (که در بین قوسین گرفته شده) با ترکیبات بی مورد و قبیح فارسی، مثلاً: (کارواژه (فعل) - نام واژه (اسم) - بازگشتگاه (مصدر)، ناگذر - (لازم - فعل لازم) - گذرا (متعدی - فعل متعدی) - درون ذاتی (ذهنی) - برون ذاتی (عینی) - پدافند (دفاع) - تک(حمله) - آفند(حمله) - سه بر (مثلث) - گوشه (زاویه) - راست زاویه(زاویه قائمه) - گرانش (قوه جاذبه - ثقل) - برخه (کسر) - نشست (جلسه) - نوزائی(تجدید حیات) - کوده (مجموع) - همانندی(تشبیه) - بدخیم(خبیث) - خوش خیم (نجیب) - ترابری(حمل و نقل) - واکنش (عکس العمل) - ، شهروند(تبعه) - تنش (تشنج)....

برون کشیدن کلمات متروک و به چلند انداختن آنها به جای کلمات موجود و متداول امروزی، مثلاً: خنشناسی (آوا شناسی - فونیتک) - سروان (سرکرده) - واژه (لغت یا کلمه).
وضع کلمات نادرست و تلاش در جهت ترویج آنها، مثلاً: کارانه(مزد) - پژوهانه(حق تحقیق یا مزد تحقیق) - کارمایه(انرژی) - یادواره(یادبود) - برقش (برق زدن) - رسانه (خبرافزار) - فرایند(جریان) - گرانش (جاذبه، ثقل) - یونش (آینازیشن، آینزیشن)..." (مثالهای دیگر در مقاله دانشمند انجنیر معروفی دیده شود).

توضیحات و مثالهای فوق الذکر از بخش دوم مقاله تحقیقی دانشمند محترم انجنیر خلیل الله معروفی به عنوان "تهاجم فرهنگی ایران" اقتباس شده - جناب انجنیر معروفی، علاوه بر تسلط بر زبان عربی، مطالعات زیاد در نشرات ایرانی، خصوصاً در بخش ادبیات و دستور زبان فارسی و زبانشناسی داشته، چندین(دستور زبان فارسی) چاپ ایران را خوانده و در مقاله فوق یک مجموعه بسیار غنیمت و آموزنده برای افغانهای دری زبان فراهم نموده اند- من (هاشمیان) چندان مطالعاتی در نشرات ادبی و زبانشناسی ایران نداشته ام و اگر مقالات دانشمند انجنیر معروفی که قبلاً یکعده آنها را در ویبسایت "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" مطالعه کرده بودم میسر نمیبود، و باید از محترمه خانم صالحه و هاب واصل تشکر کنیم که یک عده آن مقالات را بار دیگر در ویبسایت "افغان جرمن آنلاین" نشرکردند - که اگر مقالات انجنیر معروفی نمیبود، مثالهای فوق را از حافظه ضعیف خود فراهم ساخته نمیتوانستم - من تمام مدعیات و مثالهای مندرج در مقاله فوق را با معیارهای چند شعبه علم زبانشناسی (فونیتیک، مارفولوژی، نحو، معانی و زبان شناسی اجتماعی) موافق یافتم، و با تائید آنها، برای سعادت و طول عمر جناب انجنیر معروفی دعاء میکنم - شاید در مواردی اختلاف نظر پیدا شود که ناشی از دو سابقه و جهان بینی متفاوت میباشد.

اکنون مسرت دارم با استفاده از مقالات دانشمند محترم انجنیر معروفی، مثالهایی را به دوست دانشمند خود آقای دوست محمد خان بدخشی به مقابل استیضاح شان تقدیم مینمایم. یقین دارم به تفاوت‌های عمیق بین دری افغانستان و فارسی ایران ملتفت میشوند، در حالی که هر دو لهجه ساختن یکسان و مشترک دستوری دارند.

با عرض احترام – سید خلیل الله هاشمیان – ۱۴ می ۲۰۱۵

یادداشت پورتال:

همکار گرانقدر و دانشمند نامدار افغان، پوهاند صاحب داکتر سید خلیل الله هاشمیان، مقاله خویش را ضم نامه ذیل عنوانی جناب انجنیر خلیل الله معروفی به آدرس ایمیل پورتال فرستاده اند:

« دانشمند محترم انجنیر خلیل الله معروفی

دو روز قبل یک مقاله "به جواب استیضاح محترم دوست محمد بدخشی" به پورتال "افغان جرمن آنلاین" ارسال کرده بودم، اما 40% آن مقاله نشر شده، شاید قصور از خودم بوده، که با یک چشم کار میکنم. دیروز متن کامل آن را فرستادم، که تا حال نشر نشده است. از آنجائی که در آن مقاله در چند جای از جناب شما و دانش و آثارتان در عرصه زبان و ادبیات یاد شده، اینک متن کامل آن را خدمت تان تقدیم میکنم، تا اگر لازم دانند آن را در پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" نشر فرمایند. با عرض احترام، سید خلیل الله هاشمیان ۱۶ می ۲۰۱۵»

از حضور پوهاند صاحب کمال امتنان داریم، که بعد از غیابتی نسبتاً طولانی باز مقاله ای را جهت نشر به پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" فرستاده و از کارهای تحقیقاتی جناب دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی – یکی از متصدیان محترم پورتال – با قدردانی یاد کرده اند و این مایه شادمانی پورتال و متصدیان آن است. یقیناً خود معروفی صاحب نیز ازین کار داکتر صاحب استاد هاشمیان، خوشنود خواهند گردید.

سرفراز باشید و همکاری خود را با پورتال ادامه بدهید.

با احترام و تمنای صحت و سعادت استاد

صفحه ادبی – فرهنگی پورتال AA-AA

"افغانستان آزاد – آزاد افغانستان"

هفدهم ماه می ۲۰۱۵